

تحلیل روش‌شناسی مطالعات جغرافیا در ایران، نقدی بر کمی‌گرایی افراطی

تیمور آمار^{۱*} و رضا صمیمی^۲

۱. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران.

۳. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

اطلاعات مقاله	چکیده
دوره ۲، شماره ۵، پیاپی ۱۴۰ صص ۱-۱۴	<p>نقد نشانگر پویایی در عرصه‌های علمی است و علم جغرافیا نیز به عنوان یک علم ریشه‌دار به‌ویژه بعد از سال ۱۹۲۳ با نقد انس گرفته است و وجود بسترهای انتقادی را الهام‌بخش پیشرفت نظریه‌های علمی و دگرگونی در روش‌های موجود می‌داند. اگر صف‌بندی روش‌های علمی در جغرافیا را متأثر از دیدگاه‌های هارتشورن و شیفر و در قالب استثنائگرایی و مکتب علم فضایی بدانیم، گرایش‌های موجود در روش‌های تحلیل در این علم را نیز می‌بایست در دو مقوله کمی و کیفی دنبال نماییم. دغدغه جغرافیدانان در به‌کارگیری کمیت رسیدن به چارچوبی است که بر مبنای آن مطالعات جغرافیایی به قوانینی علمی برسد که بدین منظور به‌کارگیری استدلال‌های کمی، علوم جغرافیایی را در رسیدن به این هدف یاری می‌رساند. براین اساس رویکرد غالب در جغرافیای کشور ما نیز به این طیف فکری گرایش داشته و ابعاد این روش علمی به‌ویژه دهه اخیر در پایگاه‌های علمی کشور رشد شتابانی پیدا کرد که مصادیق آن نگارش پایان‌نامه‌ها و مقالات فراوان با تحلیل کمی است. این پژوهش به آسیب‌شناسی روش‌های کمی در جغرافیای معاصر ایران می‌پردازد و برای مصادیق این آسیب‌ها تحلیل محتوای مقالات را در سه مجله علمی - پژوهشی داخلی را دستمایه این بررسی قرار داده است. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش با استفاده از منابع اسنادی و بهره‌گیری از محتوای مقالات فصلنامه‌های «پژوهش‌های جغرافیای انسانی»، «مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی» و «فضای جغرافیایی» به‌دست آمده است. داده‌ها با استفاده از اطلاعات مستخرج از این مجلات و تطبیق محتوای این پژوهش‌ها با مفاهیم، محورها و رسالت‌های جغرافیدانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که در ۹۲/۶ درصد از تحقیقات شیوه گردآوری اطلاعات به‌صورت میدانی و در ۶۴/۷ درصد از آن‌ها تکنیک پرسشنامه به‌عنوان شیوه غالب مورد استفاده قرار گرفته است. در بین سؤالات اساسی جغرافیا هنوز پیگیری چپستی و کجایی پدیده‌ها غلبه دارد و در ۷۹/۳ درصد مقالات شیوه کمی در تحلیل داشته که در بخشی از آنها جهت اثبات بین متغیرها نیازی به همبستگی و تحلیل رگرسیونی وجود نداشته است نتیجه بررسی مقالات در مجلات این پژوهش نشان داد که دغدغه‌های جغرافیای مدرن در اغلب نوشته‌های جغرافیایی دیده نمی‌شود، بطوریکه تنها ۳۰ درصد از پژوهش‌ها به مسائلی چون «نظریه‌ای اجتماعی»، «اقتصاد سیاسی» و «نظریه‌های فرهنگی» پرداخته‌اند که تا حدی بر محافظه کار بودن پژوهش‌های جغرافیایی ایران گواهی می‌دهد.</p>

کلید واژه‌ها: روش‌شناسی، مطالعات جغرافیا، کمی‌گرایی، جغرافیای مدرن، جغرافیای انتقادی.

مقدمه

شکل‌گیری و تداوم نقد در عرصه‌های علمی نمایانگر پویایی آن است. جغرافیا نیز به عنوان یک علم ریشه‌دار از این مقوله قاعده مستثنا نبوده و به‌ویژه بعد از سال ۱۹۲۳ و با شکل‌گیری مکتب فرانکفورت شاهد بستری جدید مبتنی بر به چالش کشیدن نظریه‌های موجود و ظهور نظریه‌های جدیدی بوده است. در این بین ماهیت میان رشته‌ای بودن جغرافیا به پذیرش و مقبولیت تحلیل انتقادی از سوی جغرافیدانان کمک زیادی نمود (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵). جغرافیای امروز برآیند انواع مکاتب و نظریه‌هایی است که عمدتاً از ابتدای قرن ۱۹ تاکنون به منصفه ظهور رسیده‌اند. جبرگرایی محیطی (محیط و مردم) جغرافیای ناحیه‌ای (نواحی و مکان‌های منحصربه‌فرد) جغرافیای فرهنگی (چشم‌انداز فرهنگی) که از ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ به طول انجامید. جغرافیای کمی (مدل‌ها و تحلیل مکانی) جغرافیای رفتاری (تصمیم‌سازی و ادراک) و جغرافیای کاربردی (مرتبط با دنیای واقعی) که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ پدیدار شدند و ساختارگرایی و فراساختارگرایی که از سال ۱۹۷۰ تاکنون مطرح شده‌اند (حاتمی نژاد، ۱۳۹۰) بیش از هجده قرن مسئولیت اصلی جغرافیدانان تعیین مکان پدیده‌ها در کره زمین و توصیف آن‌ها بوده است. این روند طولانی با طرح دیدگاه‌های مبتنی بر تحلیل (چرایی و چگونگی استقرار پدیده‌ها) از سوی «همبلیت» و «ریتر» جغرافیا را وارد یک بستر جدید نمود و از سال ۱۹۵۰ به بعد جهت‌گیری‌های علمی در جغرافیا شاهد دو نحله فکری یعنی «مکتب علم فضایی» و «استثناگرایی» بوده است (شکویی، ۱۳۷۵: ۷). روندهای جغرافیا از دهه ۱۹۶۰ به سوی تخصص‌گرایی و کمیت‌گرایی بیشتر هدایت شد و بر نگرش اثبات‌گرایی در تبیین پدیده‌های جغرافیایی تأکید شد (هاگت، ۱۳۸۲: ۵۹۲) ریچارد هارتشورن تفاوت‌های مکانی را جز لاینفک مطالعات می‌دانست و در نقطه مقابل کورت شیفر و همفکرانش تبیین علمی الگوهای جغرافیایی را در پرتو مدل‌های هندسی راهی برای رسیدن به قانونمندی در جغرافیا توصیه می‌نمودند. در این ارتباط انتقادات مکتب فرانکفورت به اثبات‌گرایی و گرایش منتقدان دیدگاه فضایی و رویکردهای رفتارگرایی و کیفی‌گرایی (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷) بی‌تأثیر نبوده است.

علیرغم تنوع در روش‌های مطالعه جغرافیا، «رویه مشترک، تأکید بر روندی دیالکتیکی میان توصیف و تبیین است و مدام به طرح سؤالات می‌پردازد که کجا؟ چگونه؟ و چرا؟ رئوس و سرخط این پرسش‌هاست» (دولفوس، ۱۳۷۳، ۷) که بر مبنای پنج موضوع اساسی (منظر، تمایزات فضایی، پراکندگی پدیده‌ها، مناسبات انسان و محیط و مضامین هندسی) به انجام می‌رسد (همان منبع) برای دست‌یابی به پاسخ‌های منطقی به سؤالات فوق، جغرافیدانان از قدیم‌الایام به ریاضیات به‌عنوان یک تکیه‌گاه مطمئن توجه خاصی داشتند. تهیه نقشه، مطالعات طبیعی به‌ویژه پژوهش‌های اقلیمی، جمعیت و جغرافیای اقتصادی تداعی‌کننده بیشترین ارتباط با علوم کمی بوده‌اند.

دغدغه اول جغرافیدانان در به‌کارگیری کمیت رسیدن به چارچوبی است که بر مبنای آن مطالعات جغرافیایی به قوانینی علمی برسد که بدین منظور به‌کارگیری استدلال‌های کمی، علوم جغرافیایی را در رسیدن به این هدف یاری می‌رساند. به این اساس رویکرد غالب در جغرافیای کشور ما نیز به این طیف فکری گرایش داشته و ابعاد این روش علمی به‌ویژه دهه اخیر در پایگاه‌های علمی کشور رشد شتابانی پیدا کرد که مصادیق آن نگارش پایان‌نامه‌ها و مقالات فراوان با تحلیل کمی است. در همین جا لازم است ذکر شود که تفکیک جغرافیای سنتی و مدرن تحت عنوان «جغرافیای تجربی» و «جغرافیای کمی»، جز ایجاد یک فضای مه‌آلود و آکنده از تردید، نتیجه دیگر نداشته و هدف ما در این مقاله ارجحیت تحلیل‌های کیفی بر کمی یا بالعکس نبوده بلکه طرح مسئله‌ای است که به عقیده نگارندگان آن کم‌کم تبدیل به یک آسیب جدی در مطالعات جغرافیا شده و جدا از اینکه از علوم کمی به‌درستی در جغرافیا استفاده نمی‌شود بلکه به استناد یافته‌های این مقاله به نظر می‌رسد بخشی از مطالعات به‌ظاهر کمی اساس و ماهیت این علم را در معرض انحرافات جدی قرار می‌دهد. این مقاله با بررسی محتوای مقالات سه فصلنامه تخصصی جغرافیا در پنج سال اخیر (۱۳۹۸-۱۳۹۴) به تحلیل نگرش‌های حاکم در این رشته و رویکردهای حاکم بر تحقیقات جغرافیایی کشور می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

از آغاز تاریخ، بشر درصدد کشف قاعده و نظم موجود در پدیده‌ها و رویدادهای جهان اطراف خود بوده است. اما باید توجه داشت که این قوانین و اصول تحت شرایط خاصی اعتبار دارد. این شرایط زیربنای صحت آن‌ها را تشکیل می‌دهد (سرمد و دیگران ۱۳۸۲: ۲۰). شکی نیست که پی بردن به قاعده و نظم میان پدیده‌ها و رویدادها در علوم فیزیکی و زیستی در مقایسه با علوم انسانی و اجتماعی با سهولت بیشتری انجام می‌شود. زیرا موضوع اصلی در علوم انسانی و اجتماعی، انسان است (همان: ۲۱). مضافاً اینکه رفتار آدمی پیچیده است و عوامل بسیاری در آن دخالت دارد که به‌ظاهر آن را سازمان نیافته و حتی متناقض جلوه‌گر می‌کند. اما می‌توان با روش مناسب به شناخت آن پرداخت (همان: ۲۰).

برای پی بردن به قواعد و نظم موجود در پدیده‌ها سه نوع پارادایم مشخص در تحقیقات علمی تحت عنوان پژوهش‌های کمی، کیفی و ترکیبی وجود دارد. هر یک از روش‌های فوق دارای ویژگی‌هایی هستند که سبب تمایز آن‌ها از یکدیگر می‌شود. «از وجوه تمایز روش‌های کیفی استفاده از جامعه آماری وسیع، مقیاس‌های استاندارد، رویکرد قیاسی و مصاحبه برای گردآوری داده‌ها و آزمودن فرضیه‌ها است. برخلاف آن در تحقیقات کمی خصوصیات کمیت‌پذیر قبل از مطالعه و استفاده از تکنیک‌های آماری برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده» (ببی، ۱۳۸۱: ۴۷۷).

جدول ۱. مقایسه تحقیقات کمی و کیفی

ردیف	موارد مقایسه	تشابه	تفاوت
			تحقیقات کمی
۱	هدف و مأموریت	T	تحقیقات کیفی
	نمونه‌گیری	-	تعیین حجم جامعه، حجم نمونه و اندازه یا حجم نمونه در پایان جمع‌آوری داده‌ها مشخص می‌گردد.
۲	ساختار طرح تحقیق	-	توضیح صریح روش آماری بر اساس شاخص‌هایی چون موضوع، گزاره‌های تحقیق، و روش انجام کار و استفاده از آمار استنباطی
	زمان‌بندی اجرا و برآورد بودجه	-	به لحاظ نامشخص بودن حجم و نحوه نمونه‌گیری جمع‌بندی در خصوص زمان و بودجه با مشکلاتی مواجه است
۳	جریان اجرا	-	بررسی پدیده‌هایی که امکان دست‌کاری در موقعیت و وضعیت آن‌ها وجود دارد
۴	نتایج و کاربرد آن	-	تعمیم‌پذیری دست آورده‌ای تحقیق ضعیف است.

منبع: (نادری، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۳۹)

نقاط قوت روش‌های کمی شامل دقت (به دلیل سنجه‌های قابل اطمینان و سنجشگر) کنترل (به علت نمونه‌گیری و طراحی) توانایی ارائه روابط علی (به سبب استفاده از آزمون‌های کنترل‌شده) تکنیک‌های آماری که توان تحلیل‌های پیچیده را به محقق می‌دهد) و تکرارپذیر می‌باشد. در نقطه مقابل این روش دارای ضعف‌هایی چون عدم کنترل یا محدود کردن متغیرها به دلیل پیچیدگی تجربیات انسانی، پویایی انسان و عدم قانونمندی رفتارهای آدمی و محدود کردن تفکرات در چارچوب ثابت و موانع ظهور تفکر خلاق از آن جمله است (نادری، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

تحلیل‌های کیفی که بر منطق و استدلال متکی هستند. البته استدلال‌های عقلانی، منطق و تفکر معیارهایی نیستند که تنها به تحقیقات کیفی مرتبط باشند بلکه در هر نوع تحقیق علمی بکار می‌روند و محقق ناگزیر است روش‌ها و نتایج به‌دست‌آمده را با آن‌ها محک بزند و اگر احساس کند روش آماری نتیجه‌ای داده که با عقل و منطق جور در نمی‌آید باید نتایج روش آماری را کنار گذارد و به عقل و منطق بها دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷: ۲۳۲) این‌گونه تحلیل‌ها به علت تداخل و حضور مستقیم محقق، این امکان را می‌دهد که پژوهشگر مسائل گمشده را راحت‌تر بیابد ضمن اینکه تحلیل‌های کیفی می‌توانند نقش مهمی را در امکان پیش‌بینی روابط، علت‌ها، تأثیرات و فرایندهای پویا ایفا کنند و بالاخره اینکه به محقق اجازه می‌دهد تا خود را درگیر تحلیل اجتماعی نماید. علیرغم این مزیت‌ها، این تحقیقات دچار نواقص و ضعف‌هایی است که از جمله می‌توان به عدم تعمیم‌پذیری، زمان بر بودن جمع‌آوری و تفسیر داده‌ها، و تأثیر بعضاً گمراه‌کننده محقق در فرآیند تحلیل اشاره نمود.

رویکرد سوم تحقیقات ترکیبی است. این روش، یک رویکرد پژوهشی است که از طریق سنجش هر دودسته تحقیقات کمی و کیفی تحقیق می‌تواند تصویری پیچیده از یک پدیده ارائه دهد. تحقیق ترکیبی تلاش می‌کند جنبه‌های عقلانی هر دو دیدگاه را به‌طور کامل مورد توجه قرار دهد و به یک‌راه حل میانه و کاربردی برای بسیاری از مشکلات دست یابد. روش تحقیق ترکیبی عموماً رویکردی است که تلاش می‌کند دیدگاه‌ها، رویکردها و موضع‌گیری‌های چندگانه را مدنظر قرار دهد. در واقع این روش یک ادغام سامانمند از روش‌های کمی و کیفی در یک مطالعه باهدف کسب یک تصویر کامل و فهم عمیق از یک پدیده می‌باشد.

در مطالعات جغرافیا نیز گرایش به استفاده از هر سه روش وجود دارد. فصل مشترک همه آن‌ها انجام مطالعات میدانی برای جمع‌آوری و تولید اطلاعات است. «در پژوهش‌های جغرافیا گاه اطلاعات ضروری خام وجود ندارد. در این موارد نمی‌توان به آن‌ها در میدان تحقیق دست یافت. محقق به‌منظور دستیابی به این اطلاعات دقیق، صحیح و قابل اعتماد (و همکاران، ۱۳۷۷: ۹۹) مانند انواع الگوهای رفتاری اجتماعی و اقتصادی (لونسبری و آلدريج، ۱۳۸۰: ۱۸) باید از روش تحقیق پیمایشی (پرسشنامه و مصاحبه) استفاده نماید. علیرغم این نقش پررنگ مطالعات میدانی، به نظر می‌رسد در سالبان اخیر تأکید بیش از حد بر تکنیک پرسشنامه (برای تولید اطلاعات) و تکیه صرف بر توصیف یا تحلیل اطلاعات مستخرج از پرسشنامه آسیب‌های جدی را در مطالعات جغرافیا ایجاد کرده است. بطوریکه می‌توان یکی از دلایل تکثیر و تعدد آثار «تقلیدی و روایتی» (مبتنی بر آثار کلیشه‌ای و تکراری) در مقابل آثار «تولیدی و ابداعی» (مبتنی بر خلاقیت، شیوه‌های نو و پرداختن به موضوعات روز) را در همین موضوع جستجو کرد. مصداق بارز این آسیب پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان شاغل در رشته جغرافیا (در گرایش‌های گوناگون) است که به‌ندرت در آن‌ها ریسک پرداختن به موضوعات چالشی و گشودن مسیری جدید در سپهر مطالعاتی این رشته دیده می‌شود. آثار به‌ظاهر علمی که مبتنی بر یک روش کلیشه‌ای میدانی و با پر کردن ۳۸۴ پرسشنامه از جامعه آماری (که در نحوه انتخاب آن‌ها نیز تردید جدی وجود دارد) به اتمام رسیده و نتیجه آن در قالب مقالات به مجلات داخلی و خارجی ارسال شده و با مهر تأیید بر آثاری که جز روایت تکراری از پدیده‌های انتزاعی و فضای غیرواقعی چیزی نیست دانشجو فارغ‌التحصیل مقاطع تحصیلات تکمیلی این رشته می‌گردد.

کمی‌گرایی به‌اصطلاح آماری و مبتنی بر تحلیل به‌ظاهر کمی است که فضای مطالعات و پژوهش‌های جغرافیایی را در تسخیر خود درآورده و اجازه نفس کشیدن به تحقیقات کیفی یا ترکیبی را نداده و حداقل می‌توان گفت که انگیزه این‌گونه پژوهش‌ها را از اندیشمندان جغرافیا سلب یا کم‌رنگ نموده است. اصرار عجیب و افراطی برخی از پژوهشگران در استفاده نابجا و حتی گمراه‌کننده از آزمون‌های آماری می‌تواند ناشی از عوامل زیر باشد:

کالایی شده تحقیق: اگر نگارش مقالات حاصل از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری را یکی از مصداق آثار علمی دانشگاه‌ها بدانیم بنابراین باید بپذیریم که گرایش دانشجویان رشته جغرافیا را به پدیده «کمی‌گرایی افراطی» منتهی به «کالایی شدن» تحقیق و درنهایت تدوین آثاری است که ردپای آن را در «بازار مکاره» پایان‌نامه

تحلیل روش‌شناسی مطالعات و .../ آمار و صمیمی

نویسی جستجو نمود. «متأسفانه بروز پدیده «آمار سازی» و «مارز دگی» در همین بستر نامتعارف شکل گرفته و می‌توان گفت که بین «پدیده پایان‌نامه سازی» و «تأکید افراطی بر کمی‌گرایی» رابطه وجود دارد (گلکار، ۱۳۹۲: ۱۹) و همین آثار نازل منتهی به مقاله‌نویسی فرمالیستی (صلح‌جو، ۱۳۸۷) شده و اعتبار و کارآمدی پژوهش را زیر سؤال می‌برد. این موضوع نه تنها در عرصه تحقیقات دانشجویی بلکه در بدنه هیئت‌علمی دانشگاه‌ها نیز رسوخ پیدا کرده و کمی‌گرایی افراطی راه برون‌رفت از بن‌بست‌های «ارتباط بین دو متغیر» بشمار می‌رود و بدتر از آن اینکه در کلاس‌های درس نیز ترویج داده می‌شود.

جایگزین شدن تولید مدرک بجای تولید علم در دانشگاه‌ها: در طی سال‌های اخیر انگیزه ادامه تحصیل صرفاً تولید علم نبوده و مکانیزم جلب و جذب دانشجویان و اقدام به ادامه تحصیل افراد را در مسیری دیگری-بغیر از تولید انتشار علم-می‌بایست جستجو کرد. از یک طرف دانشگاه رفتن از منظر جامعه به‌عنوان صرفاً یک هدف تعیین‌گردیده است، آن‌هم بدون استعدادیابی مؤثر و از جانب دولت نیز برنامه مشخصی برای توسعه منابع انسانی وجود نداشته و ندارد. مصداق بارز این وضعیت، بحران مالی و رقابت کاذب برای جذب دانشجوی بیشتر (از سوی دانشگاه‌ها) و دستیابی به موقعیت اجتماعی برتر و بدتر از آن فخرفروشی و شهرت (از سوی علاقمندان به ادامه تحصیل) می‌باشد. بر این بستر نامتعارف بخشی از دانشگاه‌ها نیز مسیر و رسالت اصلی خود را فراموش کرده و در دام حرص و ولع بیشتر برای جذب دانشجویان، تولید علم را به بایگانی سپرده و برای «طالب علم!» نیز این موضوع کاملاً محرز است. قدر مسلم مدرک‌گرایی و هجوم به دانشگاه‌ها صرفاً برای گرفتن مدرک، سبب هدر رفتن منابع مالی خانواده‌ها و به تبع آن کل اقتصاد کشور و به دنبال آن هدر رفتن منابع انسانی خواهد شد.

فقدان ارتباط بین مقاطع مختلف تحصیلات دانشگاهی: مغایرت بین تحصیلات در مقاطع مختلف دانشگاهی متأسفانه نوعی گسست فکری در مسیر توسعه علمی دانشگاه‌هاست که پی‌ریزی بستری مطمئن برای پیشرفت‌های علمی را با مشکل مواجه کرده است. متأسفانه ابعاد این موضوع در رشته جغرافیا نیز زیاد بوده و تعداد زیادی از شاغلین به تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی فاقد پشتوانه فکری جهت فهم و تحلیل مطالب جغرافیایی هستند. از دکتر علیجانی سخنی به یادگار دارم که فارغ‌التحصیل جغرافیا اگر سه ضلع مهارتی‌اش (آشنایی با مفاهیم جغرافیا، آشنایی با زبان انگلیسی و آشنایی با فن‌ها) تکمیل باشد در کارهایی و اشتغال مشکل خاصی نخواهد داشت. ولی آیا به‌راستی فارغ‌التحصیل ارشد و بعضاً «دکتری جغرافیا که مقطع یا مقاطع قبلی تحصیلی‌اش (ازلحاظ مفهومی و موضوعی) متفاوت از جغرافیاست می‌تواند در طول سه یا چهار ترم به مفاهیم و تکنیک‌های جغرافیا مجهز و وارد بازار کار شود؟

ضعف در تحلیل جغرافیایی پدیده‌ها و موضوعات: به دلایلی که در بندهای قبلی ذکر آن رفت و به‌ویژه عدم سنخیت بین تحصیلات کارشناسی و مقاطع تحصیلات تکمیلی اغلب فارغ‌التحصیلان جغرافیا درک درستی از مباحث این علم نداشته و فاقد «معرفت جغرافیایی» هستند و بسیاری از پژوهشگران اغلب جوان این ضعف خود را در پشت آزمون‌های آماری مخفی می‌کنند و به مدد استفاده از رایانه و نرم‌افزارها، رابطه معنادار آماری را حتی در بین داده‌های نامرتب نیز به اثبات می‌رسانند. تأکید نگارندگان این مقاله بر این ضعف از آن جهت است که بخشی از فارغ‌التحصیلان جغرافیا در قیای هیأت علمی دانشگاه درآمده و علی‌القاعده می‌بایست اصالت کار جغرافیا را امتداد بخشند؛ اما این بخش از پژوهشگران نیز گرفتار همان آفتی‌اند که ریشه در آموزش آن‌ها داشته و این روند غلط را بدون حکم‌واصلاح و با کمترین تغییر به نسل‌های بعد نیز انتقال می‌دهند. پرواضح است که «ضعف در نگرش جغرافیایی فقر گزاره‌های نظری» را باعث شده و در نتیجه هویت و اصالت علمی رشته را به چالش می‌کشد (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۳۹). بروز این پدیده به این لحاظ است که مبانی شناخت در تحقیقات علوم اجتماعی که - جغرافیا را نیز می‌توان در آن‌جای داد- برگرفته از سه رکن «شناخت اثباتی یا ابزاری، شناخت تفسیری یا تفهیمی و شناخت انتقادی یا رهایی‌بخش» (گلکار، ۱۳۹۲: ۲۷) است که جغرافیدانان از انسجام ارگانیک این سه ضلع غافل‌اند.

رویکرد مجلات در اولویت دادن به پذیرش مقالات با تحلیل‌های آماری: در گسترش کمی‌گرایی افراطی در عرصه پژوهش‌های جغرافیا، مجلات تخصصی سهم بسزایی دارند. علیرغم محدودیت‌هایی که پژوهش‌های کمی از آن برخوردارند-که در ادامه در بررسی موردی این پژوهش به آن خواهیم پرداخت. مسئولین محترم مجلات به‌راحتی از کنار ضعف‌هایی مثل عدم انطباق روش‌های آماری با بسترهای اجتماعی و فرهنگی، ضعف‌های ذاتی روش‌های آماری، ضعف‌هایی علمی که پژوهشگران در به‌کارگیری روش‌های آماری دارند (گلکار، ۱۳۹۲: ۲) گذر کرده و معمولاً مقالات ارسالی با رویکرد کیفی در همان مرحله اول ارزیابی به نویسنده / نویسندگان عودت داده می‌شوند و حتی در اولویت‌دوایی نیز قرار نمی‌گیرند.

به نظر می‌رسد «تأکید بیش‌ازحد بر روش‌شناسی‌های اثبات‌گرایی و پوزیتیویسم منطقی در تحقیقات جغرافیایی کشور و فقدان نگرش انتقادی در بستر تحقیقات علمی این رشته و همچنین تأکید مجلات علمی-پژوهشی بر پذیرش مقالات کمی» (فیروزی و سجادیان، ۱۳۹۴: ۱۳۹) ادامه روشی ناصواب در مطالعات جغرافیا و به انحراف کشاندن فضای علمی و دور شدن از اصالت و هویت این رشته کهن و ریشه‌دار است.

باری، در عرصه‌های علمی، نقد، سنجشی هدفمند و مبتنی بر مبانی تحلیل است که سبب افزایش اثربخشی در علم می‌شود (درودی، ۱۳۸۵: ۲۷۹) پیشرفت‌های علمی در هر مکانی مدیون ذهنیت انتقادی می‌باشد. در صورت کم‌بها دادن به ذهنیت انتقادی ظلمت فراگیر ابتدا محیط‌های علمی و سپس همه عوامل اقتصادی و اجتماعی جامعه را تحت تأثیر و رکود مرگبار قرار می‌دهد (شکویی، ۱۳۸۳: ۲۶۳). روش‌های نقد عموماً در سر مقوله نقد محتوایی، ساختاری و نگارشی انجام می‌شود (اعظمی چهار برج، ۱۳۹۱) در عرصه مطالعات جغرافیا ورود به این مباحث صرفاً با طرح دیدگاه‌های کلی و یادآوری اصالت و هویت پژوهش‌های جغرافیایی است و کمتر به آسیب‌شناسی مباحث در بدنه مطالعاتی و دانشگاهی کشور پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد جغرافیدانان ایران به همین بستر موجود قانع‌اند و ریسک ورود به مباحث چالشی را نمی‌پذیرند. نگارندگان این مقاله نیز ادعای طرح یک موضوع چالش‌برانگیز را ندارند اما به مدد و پشتوانه برخی آثار موجود به خود اجازه داده‌اند به‌عنوان دانش‌آموخته این رشته دانشگاهی ادای وظیفه ای-هرچند اندک- جا پای برخی اساتید بگذارند. بدون شک جغرافیدانان ایران در زمینه مبانی تئوریک، مکاتب و اندیشه‌های مطالعاتی در جغرافیا بیش از همه تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های شادروان حسین شکویی هستند. ایشان با نگارش کتب و مقالات زیاد از معدود اندیشمندان است که گام به این راه پرخطر و البته روشن‌گر گذاشت؛ و آثار ایشان همواره چراغ راه همه پژوهشگران جغرافیا به‌ویژه در عرصه‌های نظری و مفهومی است. علاوه بر ایشان طی سالیان اخیر در تئوریزه کرده مباحث علمی جغرافیا-از باب موضوع، ماهیت، روش‌شناسی، و رسالت مطالعات جغرافیا- اساتید و پژوهشگران دیگری نیز آثاری از خود بر جای گذاشته‌اند که به برخی از آن‌ها در جدول اشاره شده است. از نظر روش‌شناسی رویکرد غالب بر مطالعات جغرافیایی ایران به‌ویژه در حوزه انسانی کمی‌گرایی است و بنابراین می‌توان حاکمیت پارادایم اثبات‌گرایی یا پوزیتیویستی را پذیرفت. این در حالی است که از دهه‌ی ۱۹۸۰ در قلمرو علوم اجتماعی و از جمله مطالعات جغرافیا استفاده از تکنیک‌های مشارکتی و کیفی مانند استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته در پژوهش رشد قابل توجهی یافته و اهمیت آن‌ها در کنار روش‌ها و مدل‌های کمی مورد تأکید قرار گرفته است (کلاک، ۱۹۸۵: ۸). پینی و لیسان از جمله کسانی هستند که با رویکرد انتقادی به روش‌شناسی مطالعات جغرافیایی و به‌ویژه جغرافیای روستایی، کمی‌گرایی محض را به چالش کشیده‌اند (لیشان، ۲۰۰۲: پینی، ۲۰۰۴: رمضان و همکاران، ۲۰۰۹). در ادامه به شرح برخی منابع مرتبط با موضوع مقاله پرداخته شده است.

۷ چشم انداز مطالعات شهری و روستایی

تحلیل روش‌شناسی مطالعات و ... / آمار و صمیمی

جدول ۲. برخی از تحقیقات انجام‌شده در خصوص موضوع مورد مطالعه

نویسنده	عنوان	موضوع و نتایج
گلکار، کوروش	آمار زندگی، نقدی بر افسون زندگی کمیت باورانه در پژوهش	نگارنده معتقد است قشری زندگی آماری در «علم باوری افراطی» (ساین‌تیسیم) و تلاش در تبدیل «علوم نرم» به «علوم سخت» از طریق پوشاندن لباس کمی و ریاضی بر پیکر مفاهیم کیفی و نرم، مهمترین آسیب علوم اجتماعی است.
افضلی رسول و وحید کیانی	آسیب‌شناسی روش مطالعات جغرافیای سیاسی در ایران	نتایج حاصله از این پژوهش نشان داد که آثار موجود در جغرافیای سیاسی ایران اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه و رساله‌ها از حیث رعایت چارچوب‌های علمی نسبتاً روشمند نیستند و اغلب با رویکرد اثباتی (پوزیتیویسم) به تحلیل پدیده‌های جغرافیایی پرداخته‌اند.
ناصر بیات و دیگران	مطالعات گردشگری روستایی در ایران از پایه تحلیل اسنادی از مقالات انتشار یافته فارسی	یافته‌های این پژوهش نشان داد که ۶۶.۱۷ درصد از کل مطالعات انجام‌شده دارای روش‌شناسی کمی است. مهم‌ترین اشکال مطالعه شده شامل گردشگری خانه‌های دوم و طبیعت‌گردی می‌شود.
یزدی، محمدحسین	ایدئولوژی حاکم بر جغرافیای ایران	تحلیل ایدئولوژی‌های حاکم بر جغرافیای ایران از زمان شکل‌گیری گروه جغرافیا در دانشگاه‌ها
حافظ نیا، محمدرضا	تبیین فلسفه علم جغرافیا	بیان ماهیت، موضوع، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و هدف نهایی مطالعات جغرافیا
احمد پوراحمد و سیروس موسوی	روش‌های کیفی در تحقیقات جغرافیا	بررسی اهمیت و ضرورت استفاده از روش‌های کیفی در تحقیقات جغرافیایی و بررسی قابلیت‌ها و ویژگی‌های روش کیفی شامل مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه و تحلیل محتوا
موحد علی، ایزدی پگاه	ارزیابی کمی و کیفی مقاله‌های فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی طی دوره ۱۰ ساله (۸۷ - ۱۳۷۸)	این مقاله به بررسی روند شمارگان منتشرشده فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی در ۱۰ سال گذشته در قالب ۸ پارامتر: سهم موضوعی مقالات، مشارکت گروه‌های علمی - تخصصی، منابع و مآخذ، تفکیک مقالات برحسب منبع استخراجی و روش و تکنیک‌های مورد استفاده پرداخته است.
بهناز السادات بشری و محمدامین خراسانی	تحلیل محتوای مقالات فصلنامه پژوهش‌های روستایی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴	نتایج به‌دست‌آمده نشان داده است که از میان ۲۰۷ مقاله انتشار یافته طی شش دوره چهار شماره‌ای، گردشگری روستایی و توسعه پایدار روستایی بیشترین تعداد مقالات را به خود اختصاص دادند.
ناصر شفیع پابت و صابر صدیقی	نقد و بررسی پژوهش‌های جغرافیایی (با تأکید بر پژوهش‌های جغرافیایی روستایی)	تحلیل محتوای ۷۰ مقاله اخیر نشریات جغرافیایی (پژوهش‌های روستایی) نشان می‌دهد که نگاه غالب هستی‌شناسی پژوهش‌های جغرافیایی در پارادایم اثبات‌گرایی جای دارد. همچنین، از نظر معرفت‌شناسی، در ۵۴ مقاله رابطه پژوهشگر و پژوهش‌شونده به صورت سوژه - ایزه و بر اساس یک ارتباط دوگانه بوده است.
مسعود صفایی پور و علیرضا رحیمی	تحلیل انتقادی طرح‌های نمونه‌گیری در پژوهش‌های جغرافیای انسانی با تأکید بر تورش انتخاب در نمونه‌های احتمالی	نتایج حاصل از ۲۵ مقاله موردبررسی حاکی از آن است که در تمامی نمونه‌ها، در «ادعای احتمالی و یا تصادفی بودن نمونه» بار معنایی علمی خاص این ادعا لحاظ نشده و روش نمونه‌گیری اعمال شده در اکثریت آن‌ها عملاً غیر احتمالی بوده است؛
رحیم بردی آنامرادنژاد	فرا تحلیل مقاله‌های علمی - پژوهشی در مجله‌های جغرافیایی ایران در باز زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲	نتایج این بررسی نشان می‌دهد کوشش مسئولان نشریه‌ها، موجب چاپ مداوم و روند صعودی در تعداد مقاله‌ها است. رویکرد غالب در مقاله‌ها، رویکردی پوزیتیویستی و مطالعات پایه و نظری بسیار اندک است. همه مقاله‌ها از مومن نظریه‌های موجود را در بردارد و نظریه جدیدی ارائه نشده است.
محمدعلی فیروزی و مهیار سجادیان	دیدمانی بر تنگناهای نظریه‌پردازی در تحقیقات جغرافیایی کشور	این پژوهش به سبب اهمیت موضوع، با روشی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تحلیل محتوای تحقیقات انجام‌یافته جغرافیایی در کشور به هدف دستیابی به دیدمانی بر تنگناهای نظریه‌پردازی در تحقیقات جغرافیایی کشور به تحقیق پرداخت. یافته‌های تحقیق در دو بخش اصول و چارچوب‌ها و استخراج تنگناها انسجام یافت. در انتها نیز راهکارهایی پیشنهاد گردید.
یوسف آقایی پور و محمدحسین رامشت	تحلیل ادبیات ژئوتوریسم در ایران	این مقاله تعداد ۹۹ مقاله ژئوتوریسم علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی در بازه زمانی ده‌ساله (۱۳۹۶-۱۳۸۷) موردبررسی قرار داده که یافته‌ها نشان‌دهنده این است که حدود ۴۳ درصد مقالات از روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) استفاده کرده‌اند و ۷۸ درصد مقالات نیز دارای اهداف کاربردی هستند.

مواد و روش‌ها

رویکرد اصلی این پژوهش بر پایه مطالعات اسنادی و تحلیل محتوا است. بر همین اساس جامعه آماری پژوهش شامل ۲۳۰ مقاله‌ای است که در پنج سال اخیر در ۳ فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی (دانشگاه تهران)، فضای جغرافیایی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر) و مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (دانشگاه آزاد اسلامی

واحد رشت) به چاپ رسیده‌اند. داده‌های موردنیاز، از جمله قلمرو جغرافیایی پژوهش، هدف، ماهیت و روش پژوهش، موضوع پژوهش، داشتن یا نداشتن فرضیه، نوع استراتژی مدنظر در مورد جامعه آماری، روش‌های گردآوری اطلاعات، شیوه‌های نمونه‌گیری و روش‌های برآورد حجم نمونه، شیوه تحلیل پدیده‌های جغرافیایی (با توجه به مفهوم جغرافیای مدرن)، انواع روش‌های کمی (آماري) مورد استفاده، نوع نتیجه‌گیری، اظهار نظر و پیشنهاد از متن مقالات سه مجله فوق استخراج و تدوین شد.

بحث و یافته‌های تحقیق

آثار بررسی‌شده بر اساس حوزه مطالعاتی و نوع مقالات

بر اساس یافته‌های مستخرج از مقالات حدود ۱۹۴ مقاله (معادل ۸۴/۳ درصد) در زمینه جغرافیای انسانی و مابقی در زمینه جغرافیای طبیعی بوده‌اند. این اطلاعات از آن لحاظ دارای اهمیت است که در موضوع موردبررسی این تحقیق گزینش شیوه تحلیل با توجه به حوزه تخصصی از اهمیت بالایی برخوردار است. چراکه عموماً در حوزه انسانی دستیابی به قوانین علمی یا تعمیم‌پذیری بسیاری از یافته‌ها ضعیف‌تر از حوزه مطالعات طبیعی است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که بخش بسیار بالایی از مقالات منتشرشده (حدود ۹۰ درصد) در مجلات علمی موردبررسی این پژوهش مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا رساله‌های دکتری است. شاید این قضاوت مصداق عمومی نداشته باشد و یا حتی برخی از محققین با این نوع داوری در خصوص مقالات موافق نباشند اما واقعیت این است که بخش زیادی از آثار منتشرشده در مجلات دستاورد پژوهشی و مطالعاتی دانشجویان است و اساتید و همکاران هیئت علمی در آفرینش آن نقش زیادی نداشته‌اند. اگرچه ممکن است این وضعیت نوعی حرکت رو به جلو در «بدنه دانشجویی» به حساب آید اما از طرف دیگر برای پرچمداران علمی کشور (هیئت علمی دانشگاهها) ایراد اساسی است که بار مسئولیت‌های خود را بر دوش دانشجو بگذارند و توانمندی‌هایشان را برای حرکت مطلوب علمی بکار نگیرند.



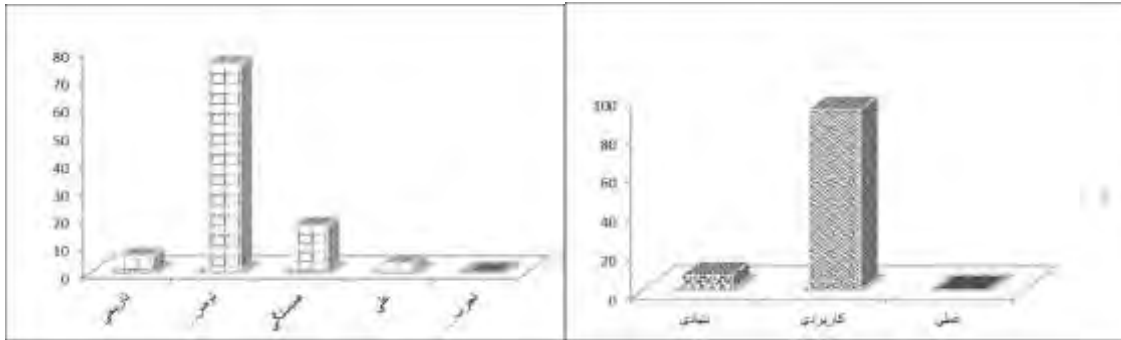
شکل ۱. آثار بررسی‌شده بر اساس حوزه تخصصی

شکل ۲. آثار بررسی‌شده بر اساس مطالعات پایه و مشارکت

آثار بررسی‌شده بر اساس طبقه‌بندی تحقیقات علمی

از مجموع بررسی‌های به‌عمل‌آمده پژوهش‌ها در نشریات ذکرشده، ۲۱۳ مورد از کل پژوهش‌های انجام‌شده برابر ۹۲/۶۱ درصد از کل مطالعات انجام‌شده از نوع کاربردی و ۱۷ مقاله برابر ۷/۳۹ درصد از نوع بنیادی است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند پژوهش‌های توصیفی، همبستگی، تاریخی و علی به ترتیب بیشترین رویکرد حاکم بر روش و ماهیت پژوهش‌هاست.

تحلیل روش‌شناسی مطالعات و .../ آمار و صمیمی

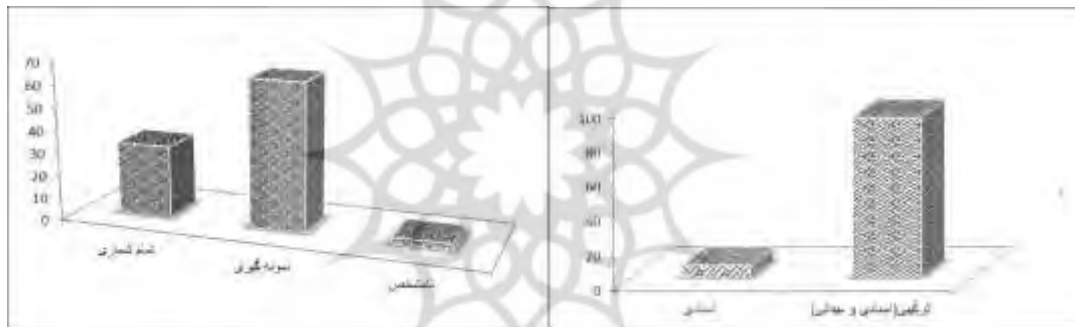


شکل ۴. انواع آثار بررسی شده بر اساس ماهیت و روش پژوهش

شکل ۳. انواع آثار بررسی شده بر اساس هدف پژوهش

آثار بررسی شده بر اساس روش کار

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند، ۲۱۳ مورد از کل پژوهش‌های انجام شده برابر ۹۲/۶۱ درصد از ترکیبی از روش‌های میدانی - کتابخانه‌ای استفاده کرده‌اند. درحالی‌که تنها ۷/۴ درصد از روش اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌گیری شده است. در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات به شیوه میدانی و بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه در ۱۴۹ مورد از کل پژوهش‌های انجام شده برابر با ۶۴/۷۸ درصد از نمونه‌گیری استفاده شده است. در این بین ۱۰۴ مورد از کل پژوهش‌های انجام شده که نمونه‌گیری داشتند از شیوه احتمالی استفاده کرده‌اند. شیوه‌های غیر احتمالی و کارشناسی (دلفی) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.



شکل ۶. جامعه آماری و شیوه گردآوری اطلاعات

شکل ۵. روش‌های گردآوری اطلاعات

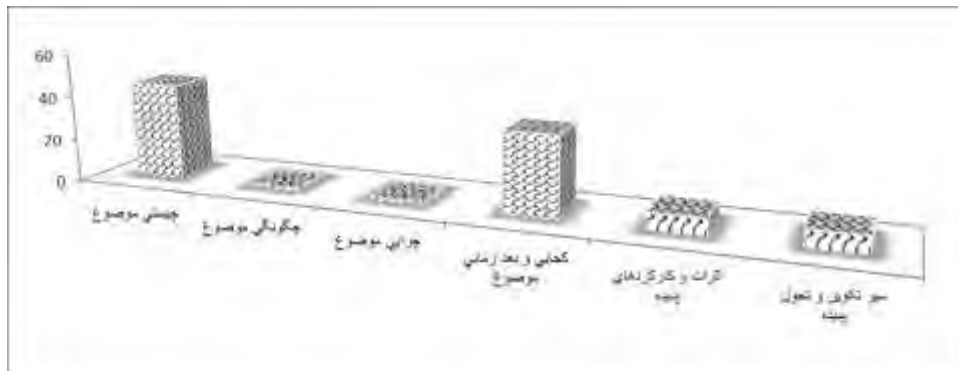
همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که از انواع روش‌های برآورد حجم نمونه به ترتیب روش تکنیک‌ها و روش‌های آماری (۸۶/۵۷ درصد) و تخمین شخصی و نامشخص هر کدام با (۶/۷۱ درصد) مورد استفاده قرار گرفته است.



شکل ۸. آثار بررسی شده بر اساس روش‌های برآورد حجم نمونه

شکل ۷. آثار بررسی شده بر اساس نوع نمونه‌گیری

محتوای مقالات بر اساس سؤالات اساسی در جغرافیا: در این بخش، نوع موضوع پژوهش بر اساس پاسخگویی به مجهولات مدنظر در همه عرصه‌های جغرافیایی با ۶ رویکرد اصلی تفکیک شده است. که در این راستا یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چیستی موضوع، کجایی و بعد زمانی آن، اثرات و کارکردها، سیر تکوین و تحول، چگونگی به ترتیب بیشترین رویکردهای حاکم بر پرداختن به موضوع پژوهش‌ها در جهت پاسخگویی به مجهول مدنظر بوده است.



شکل ۹. آثار بررسی شده بر اساس موضوع پژوهش در جهت پاسخگویی به مجهولات
منبع: (یافته‌های پژوهش)

این در حالی است که در جغرافیای سنتی، مفاهیم چه چیز، در کجا و در چه زمانی مورد تأکید بود. در حالی که در عصر جغرافیای نو، مفاهیم چگونه و به چه دلیل، در جهت شناخت ساختار بندی و شکل‌گیری شیوه زندگی، به این مفاهیم سه‌گانه اضافه می‌شود. میان مفاهیم چگونه و به چه دلیل با فلسفه‌های سیاسی، اقتصاد سیاسی و نظریه‌های اجتماعی و مطالعات فرهنگی، همبستگی استواری وجود دارد (شکوئی، ۱۳۸۳: ۲۸۹). به‌عنوان نمونه امروزه بخشی از فعالیت جغرافیدانان معطوف به مکان‌یابی کاربری‌های مختلف اختصاص دارد (به‌خصوص در طرح‌های هادی روستایی و جامع شهری) مثلاً، برای اینکه مکان‌یابی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها باید در کدام بخش شهری صورت بگیرد عوامل مختلفی در نظر گرفته شده تا بهترین شرایط را داشته باشد. در حالی که علاوه بر آن باید تحلیل شود چگونه و چرا شرایط و تبعیض‌ها و عدم تعادل اجتماعی و اقتصادی سبب می‌شود تا برخی از انسان‌ها سلامتی خود را از دست بدهند و به امراض مبتلا شود. بنابراین پیشرفت‌های علمی در هر مکانی مدیون ذهنیت انتقادی می‌باشد. (شکوئی، ۱۳۸۳: ۲۶۳).

آثار بررسی شده بر اساس انواع شیوه‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های پژوهش بیانگر ۴ رویکرد اصلی در تجزیه و تحلیل داده‌هاست. قابل توجه است که ۱۴۰ مورد از کل پژوهش‌های انجام شده برابر با ۶۰/۱۶ درصد از کل مطالعات انجام شده دارای تحلیل کمی و مبتنی بر روش‌شناسی اثباتی (متشکل از آمار استنباطی، نرم‌افزارهای تحلیل فضایی، به‌کارگیری مدل‌هایی از قبیل سوات و غیره) است. پژوهش‌های کیفی با روش‌شناسی عقلی و استدلالی حدود ۲۱/۷ درصد از کل مقالات را شامل می‌شود.

جدول ۳. آثار بررسی شده بر اساس شیوه‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

ردیف	نوع تحلیل	روش‌شناسی	نوع رویکرد	تعداد پژوهش	درصد از کل
۱	کیفی	عقلی و استدلالی	قیاس و استقراء	۵۰	۲۱/۷۳
۲	کمی	اثباتی و پوزیتیویستی	آمار استنباطی	۱۴۰	۶۰/۱۶
			نرم‌افزارهای تحلیل فضایی	۲۱	۹/۱۳
			استفاده از مدل	۱۹	۸/۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش

آثار بررسی‌شده بر اساس انواع روش‌های کمی (آماری) مورد استفاده

نتایج بررسی از مقالات سه فصلنامه مورد بحث در این نوشتار نشان می‌دهد، ۵۳ مورد از کل پژوهش‌های آماری انجام‌شده، برابر ۳۷/۸۵ درصد از کل پژوهش‌هایی که شیوه تجزیه و تحلیل آن‌ها مبتنی بر استفاده از روش‌های کمی بوده است از روش آمار توصیفی و ۸۰ مورد برابر ۵۷/۱۴ درصد از آمار استنباطی و ۷ مورد برابر ۵/۰۱ درصد از ترکیب دو روش بهره برده‌اند. این در حالی است که بر اساس جدول ۴ در بین روش‌های مختلف آمار استنباطی نیز به ترتیب روش‌های پارامتریک، غیر پارامتریک و ترکیبی بیشترین کاربرد را در پژوهش‌ها داشته‌اند.

جدول ۴. آثار بررسی‌شده بر اساس انواع روش‌های کمی (آماری) مورد استفاده

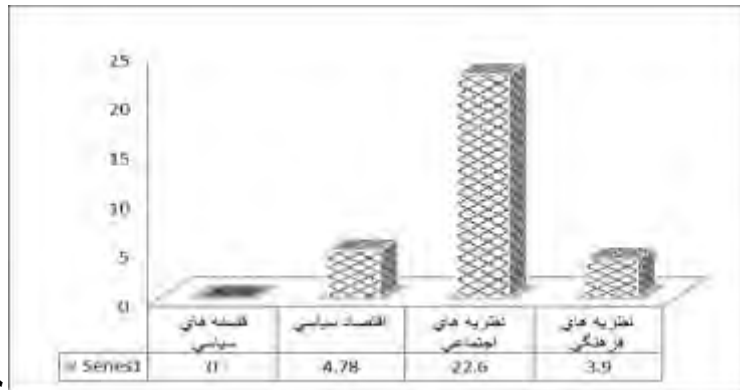
ردیف	نوع روش	تعداد پژوهش	درصد از کل
۱	آمار توصیفی	۵۳	۳۷/۸۵
۲	پارامتریک	۴۳	۵۷/۱۴
	غیر پارامتریک	۲۱	
	ترکیبی	۱۶	
۳	ترکیبی	۷	۵/۰۱

قابل توجه است که مدل‌های آماری مورد استفاده که به آزمون‌های آماری نیز مرسوم‌اند به دودسته کلی: آزمون‌های پارامتریک و غیر پارامتریک تقسیم می‌شوند. آزمون‌های آماری پارامتریک عبارتند از: پیرسون-صفراسکوئر (ک) - معادله رگرسیون-آزمون تی (T) - آزمون فیشر (Φ) یا تحلیل واریانس - کوواریانس. آزمون‌های غیر پارامتریک عمدتاً در خانواده خنثی قرار داشته و معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: جداول تقاطعی یا توافق (χ² - X)، آزمون همگنی، آزمون برازش، آزمون کوکران، آزمون مک نمار بای سریال، فریدمن و یلکاکسون، کراسکال والیس، کندال، یومن ویتنی. اگر نتایج این تحقیق را مصداق مشت نمونه خروار بدانیم پس می‌توانم قضاوت کنم که تحقیقات جغرافیا ایران به «جغرافیا به‌عنوان علم سازمان‌دهی فضا» نزدیک شده است. در حالیکه تعریف جغرافیا به‌عنوان علم سازمان‌دهی فضا با این خطر روبروست که سازمان‌دهی را حاصل نظم که پیشانش برقرار شده بپندارد در سازمان‌دهی فضا زاده حرکت مداوم و تغییر است. برای بازشناسی فضا، جغرافیدان باید درصدد درک آثار انسان و دستاوردهای جوامع باشد که به آفرینش چنین آثار کمر بسته‌اند. فضای جغرافیایی فضای اجتماعی است و صورت‌ها و ساخته آن آفریده کنش انسان است. از این رو باید دانست که نیروهای سازنده و پدیدآورنده فضای جغرافیایی کدام‌اند و محتوای اجتماعی فضا چیست (شبلینگ، ۱۳۸۸: ۱۰۸) و به‌راستی آیا بسیاری از تحقیقات جغرافیای امروز در ایران به این نتایج ختم می‌شود؟ قدر مسلم در بستر تحلیل کمی صرف و عدم تحلیل و پردازش مناسب داده‌ها نه آثار انسانی به‌درستی بازشناسی می‌شود و نه نیروهای مؤثر بر شکل‌گیری و تحولات فضا مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

تحلیل پدیده‌های جغرافیایی با توجه به مفهوم جغرافیای مدرن

در جغرافیای مدرن هر محیط جغرافیایی، نمادی از یک شیوه تفکر با عملکردی از ایدئولوژی خاص، موجودیت می‌یابد. از این رو، منطقی است که در هر تفسیر و تبیین جغرافیایی از پدیده‌ها و محیط‌ها، روی میزان قدرت، توان و باورهای ایدئولوژی و فلسفه سیاسی نظام حاکم تأکید شود و شناخت عقاید (ایدئولوژی) تصمیم‌گیرندگان نظام‌های اجتماعی، در کانون مباحث و تحلیل‌های جغرافیایی قرار بگیرد. (شکوئی، ۱۳۸۲: ۴۸). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند، در تحلیل پدیده‌های جغرافیایی فقط نظریه‌های اجتماعی (با ۲۲/۶ درصد)، اقتصاد سیاسی (با ۴/۷۸ درصد) و نظریه‌های فرهنگی (با ۳/۹۱ درصد) مورد توجه قرار گرفته و به فلسفه‌های سیاسی و شناخت عقاید تصمیم‌گیرندگان نظام اجتماعی (ایدئولوژی حاکم) هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است. گرچه نتایج بررسی مقالات این پژوهش را نمی‌توان به‌طور کامل قابل‌تعمیم به کل عرصه‌های تحقیقاتی در جغرافیای ایران دانست ولی در همین مقیاس، این بررسی نشان داد که رویکرد جغرافیدانان به

طرح مباحثی چون فلسفه‌های سیاسی، اقتصاد سیاسی، نظریه‌های اجتماعی و عدالت اجتماعی در تحلیل پدیده‌های جغرافیایی بسیار ضعیف است؟ این وضعیت یادآور سؤال اساسی است که «چرا تاکنون علم خلاق جغرافیا در مقایسه با علوم مشابه مثل جامعه‌شناسی و اقتصاد، یک علم محافظه‌کاری بوده است جز این که این علم نتوانسته است با به‌کارگیری فرآیندهای نهادی و ساختاری، به ریشه‌یابی پدیده‌های جغرافیایی و آینده‌نگری عدالت خواهانه توفیق یابد؟» (شکوئی، ۱۳۸۲: ۲۸۷).



شکل ۱۰. آثار بررسی شده در تحلیل پدیده‌های جغرافیایی با توجه به مفهوم جغرافیای نو
منبع: یافته‌های پژوهش

با این وصف شاید بتوان گفت که به‌کارگیری ناشیانه و به‌دوراز محتوای جغرافیایی از کمیت یکی از دلایل بروز این وضعیت بشمار می‌رود. چراکه تأکید بیش‌ازحد بر روش‌های کمی و باعث تثبیت وضع موجود جامعه می‌شود و جامعه را از حرکت و تحولات در جهت ساخت محیط زندگی مناسب بازمی‌دارد زیرا روش‌های کمی تنها بر قوانین پراکندگی پدیده‌ها تأکید دارند بدون اینکه علل نارسایی‌ها و کاستی‌ها را ریشه‌یابی کنند (شکوئی، ۱۳۸۳: ۵۷) ذکر چند مثال خالی از لطف نخواهد بود. «تحلیل عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا-شهری»، «خانه‌های دوم و عوامل گسترش آن» «تحلیل تطبیقی احساس ترس» و ده‌ها مثال دیگر که در مجلات مختلف به تعدد وجود دارد چه نیازی به آزمون آماری دارد؟ آیا مطالعات میدانی جهت پی بردن به این موضوع صرفاً در پرسشنامه خلاصه می‌شود؟ آیا قضاوت بر مبنای نظر مردم (جامعه آماری) بدون تحلیل و استدلال منطقی قابل‌ارائه و باور است؟ مسلماً ارتباط بین متغیرها صرفاً از طریق تعدادی پرسشنامه و تحلیل مبتنی بر داده‌هایی که نوعی افکار سنجی است نمی‌تواند گویای واقعیت‌های جغرافیایی یک ناحیه برای تحلیل موضوعات مختلف باشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا بخشی از واقعیت‌های عرصه علمی در جغرافیا بادید انتقادی به چالش کشیده شود. نگارندگان این مقاله به پژوهشگران و متخصصین جغرافیا (اعم از اساتید و دانشجویان این رشته به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی) به‌ویژه آنان که گام در مسیر تحقیقات کمی می‌گذارند را به این موضوع مهم دعوت می‌کنند که قبل از انجام هر پژوهش با خود بیندیشیم که در چه رشته‌ای پژوهش انجام می‌دهیم؟ اصول علمی و شاخصه‌ای بررسی این رشته کدامند و تکیه‌گاه فکری و نظری کاری را که انجام می‌دهیم چیست؟ نتایج این مقاله نشان داد که یافته‌های علمی این رشته کهن به‌واسطه ورود تفکرات جدید دچار دگردیسی شده و علیرغم آثار خوبی که گرایش به جغرافیای تکنیکال در دانشگاه‌های ما بر جای گذاشته است لیکن «کمی‌گرایی صرف» رشته جغرافیا را به بیراهه کشانده است. مصادیق بارز این مدعا بر اساس یافته‌های این مقاله شامل:

◀ مشارکت اساتید دانشگاه در نگارش مقالات مستقل و مبنایی در مجلات ضعیف است.

تحلیل روش‌شناسی مطالعات و .../ آمار و صمیمی

- ◀ یافته‌های پژوهش در ۹۳ درصد مقالات در مجلات مورد بررسی مبتنی بر پرسشنامه بوده و تقریباً می‌توان گفت که اینگونه مقالات یافته «شهودی» مشخصی ندارند.
- ◀ «چرایی» و «چگونگی» در رویکردهای پژوهشی آثار مجلات مورد بررسی جایگاه ضعیفی داشته است.
- ◀ در ۶۰ درصد مقالات بررسی شده هیچ نشانی از تحلیل کیفی و استدلال جغرافیایی دیده نشد.
- ◀ اگر بااستناد یافته‌های این مقاله رویکرد غالب و مسلط در مطالعات جغرافیای ایران را «مکتب فضایی» بدانیم بخش زیادی از مقالات به لحاظ ساختاری به «فضا شناسی» منتج شده و کمتر به «فضاسازی» رسیده‌اند.
- ◀ درگیری بیش از حد مطالعات به روشهای کمی باعث شده است تا پژوهش‌ها فاقد نگاه انتقادی بوده و این «جغرافیای محافظه‌کار» را نمی‌توان علمی خلاق و کارگشا در امور اقتصادی-اجتماعی دانست.

ظاهراً محققین و پژوهشگران جغرافیا فراموش کرده‌اند که کمیت فقط بخشی از واقعیت‌های یک چشم‌انداز است نه همه آن، و آنچه در برآیند رابطه بین انسان و محیط بدان پرداخته می‌شود در چارچوب «خشک و ایستای کمی‌گرایی صرف» قابل تبیین نیست. اگر مبنای قضاوت در ارتباط بین دو متغیر نظرسنجی و سنجش افکار است که نمی‌توان بآنرا یک اثر جغرافیایی نامید و اگر برآیند این سنجش افکار منتهی به بروز رفتار و تاثیر این رفتارها در محیط شده که کمتر اثری از آن در پژوهش‌ها و مقالات دیده می‌شود. بر این اساس تحقیقات و مقالات بیش از آنکه محتوای جغرافیایی داشته باشد محتوای علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی دارد. در پایان نگارندگان این سطور عریضه می‌دارند که پژوهش در جغرافیا باپرکردن تعدادی پرسشنامه و ارائه نتایج آن بدون تحلیل جغرافیایی، در ارائه یک الگوی تحقیقی در چارچوب این علم موفق نیست. چراکه سنجش افکار اسامش جغرافیا نیست، اگر هست پس ما دچار «ازخودبیگانگی جغرافیایی» شده ایم!

منابع

- اعظمی چهار برج، حسین (۱۳۹۱) درآمدی بر روش‌شناسی و انواع نقد رای، فصلنامه نقد رای، شماره اول، صص ۱۹-۱
- افضلی، رسول و کیانی، وحید. (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی روشی مطالعات جغرافیای سیاسی در ایران، فصلنامه جغرافیا، شماره ۲۴، صص ۱۱۸-۱۰۱
- آقایی پور، یوسف و رامشت، محمدحسین. (۱۳۹۹)، تحلیل ادبیات ژئوتوریسم در ایران، پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، سال نهم شماره یک، صص ۵۱-۴۲
- ببی، ارل (۱۳۸۱) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه: رضا فاضل، انتشارات سمت
- بردی آنا مرادنژاد، رحیم. (۱۳۹۵)، فرا تحلیل مقاله‌های علمی-پژوهشی در مجله‌های جغرافیایی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، شماره ۲۲، صص ۷۸-۵۹
- بشیری، بهنازالسادات و محمد امین خراسانی (۱۳۹۶) تحلیل محتوای مقالات فصلنامه پژوهش‌های روستایی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۸ شماره یک صص ۱۴۹-۱۳۹
- بیات، ناصر؛ بدری، سید علی؛ و رضوانی، محمدرضا. (۱۳۷۸)، مطالعات گردشگری روستایی در ایران ارائه تحلیل اسنادی از مقالات انتشار یافته فارسی، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه گردشگری، شماره ۶، صص ۱۲۸-۱۰۹
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۸۲). ایدئولوژی‌های حاکم بر جغرافیای ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۷۱، صص ۳۵-۵
- پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس. (۱۳۸۷)، روش‌های کیفی در تحقیقات جغرافیا، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۸۳ صص ۱۱-۴
- پوراحمد، احمد؛ براتی، زهرا؛ و خطابخش، مهناز. (۱۳۹۲)، مکتب فرانکفورت و تأثیر آن بر آموزش جغرافیا، مجله رشد آموزش جغرافیا، دوره بیست و هفتم، شماره سه
- حاتمی نژاد، حسین (۱۳۹۰) جغرافیای رادیکال، وبسایت شخصی
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۷۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۳)، تبیین فلسفه علم جغرافیا، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۸(۲).

- درودی، فریبرز. (۱۳۸۵)، سخنی در باب نگارش‌های انتقادی، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات، شماره ۶۸، صص ۲۷۹-۲۸۸
- ، اولیویه. (۱۳۷۳)، فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ و حجازی، الهه. (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه
- شبلینگ، ژاک. (۱۳۷۷)، جغرافیا چیست، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق مشهد
- شفیعی ثابت، ناصر و صابر صدیقی. (۱۳۹۷)، نقد و بررسی پژوهش‌های جغرافیایی (با تأکید بر پژوهش‌های جغرافیای روستایی) فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی دوره ۹ شماره ۲، صص ۴۲۹-۴۱۴
- شکویی، حسین. (۱۳۸۲)، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی
- شکویی، حسین. (۱۳۸۳)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی
- شکویی، حسین (۱۳۷۵) اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی
- صفایی پور، مسعود و رحیمی چم‌خانی، علیرضا. (۱۳۹۶)، تحلیل انتقادی طرح‌های نمونه‌گیری در پژوهش‌های جغرافیای انسانی با تأکید بر تورش انتخاب در نمونه‌های احتمالی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۲۷ صص ۶۸-۴۷
- صلح‌جو، علی. (۱۳۸۷)، مقاله‌نویسی فرمالیستی، نامه فرهنگستان، شماره ۳۸، صص ۶۲-۵۸
- فیروزی، محمدعلی و مهیار سجادیان. (۱۳۹۴)، دیدمانی بر تنگناهای نظریه‌پردازی در تحقیقات جغرافیایی کشور، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، شماره ۲۵، صص ۱۵۰-۱۱۹
- گلکار، کوروش. (۱۳۹۲)، آمارزدگی، نقدی بر افسون زدگی کمیت باورانه در پژوهش، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۵، صص ۲۸-۱۷
- لونسبری، جان. اف و فرلنک تی. آلدريج. (۱۳۸۰)، درآمدی بر روش‌ها و فنون میدانی جغرافیا. ترجمه: بهلول علیجانی. تهران. سمت
- موحد، علی و پگاه ایزدی. (۱۳۹۱)، ارزیابی کمی و کیفی مقله‌های پژوهش‌های جغرافیایی در دهه اخیر، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، شماره ۷۱، صص ۹۴-۸۳
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی. (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، نشر ارسباران
- هارینگ، لی. لوید، لونسبری، جان. اف؛ و جان دبلیو. فریبرز. (۱۳۷۷)، درآمدی بر پژوهش علمی در جغرافیا. ترجمه: محمد علی مولازاده. اهواز. دانشگاه شهید چمران.
- هاگت، پیتر. (۱۳۸۲)، جغرافیا ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، انتشارات سمت
- Cloke, P. (1985). Whither rural studies, *Journal of Rurale Studies*, 1(1): 1-10.
- Leyshon, M. (2002). On being 'in the field': practice, progress and problems in research with young people in rural areas, *Journal of Rurale Studies*, 18 (2): 179-191.
- Pini, B. (2004). On being A nice country girl and an academic feminist: using reflexivity in rural social research, *Journal of Rurale Studies*, 20(2)169-179.
- Ramzan, B., Pini, B. and Bryant, L. (2009). Experiencing and writing Indigeneity, rurality and gender: Australian reflections, *Journal of Rurale Studies*, 25:435-443.